

میلادنگاری در سه قرن نخست با تکیه بر نقش اصحاب امامان علیهم السلام

حسین حسینیان مقدم*

چکیده

«مولدنگاری» شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری اسلامی است که اصحاب امامان علیهم السلام آن را در قرن دوم و به دنبال تحولات سیاسی - فکری بنیان نهادند. اصحاب امامان علیهم السلام در سیره نبوی و سیره اهل‌بیت علیهم السلام کتب متعددی با ریزموضوعاتی متنوع نگاشته‌اند؛ اما به‌رغم تجربه‌ای که در نگارش سیره نبوی وجود داشت، سیره جامعی از همه امامان علیهم السلام در عصر خود ایشان تدوین نکردند. در این میان برخی مولدنگاری‌ها - بدون آنکه شرح حال کاملی از زندگانی آنان به‌دست دهد - به لحاظ زمانی جامع و شامل همه امامان علیهم السلام می‌شود. در این شاخه بررسی ولادت افراد مورد توجه قرار گرفت، اما به تدریج سامان و ارتقا یافت، رویکردها و کارکردهای متنوعی پیدا کرد و در عرض خود شاخه مستقلی به‌نام «وفات‌نگاری» را تولید نمود. این دو شاخه در ابتدا دوشادوش هم حرکت کردند، اما وفات‌نگاری شتاب گرفت، سیر تکاملی خود را پیمود تا آنکه این خلکان با نگارش کتاب *وفیات الاعیان* نقطه عطفی در آن ایجاد کرد. این نوشتار درصدد بررسی پیدایی، گسترش و سیر تاریخی مولدنگاری اصحاب امامان علیهم السلام و تحلیل علل رویکرد و تحولات درونی آن است.

واژگان کلیدی

تاریخ‌نگاری، مولدنگاری، وفات‌نگاری، تراجم‌نگاری، اصحاب امامان علیهم السلام.

طرح مسئله

میلادنگاری در دو حوزه نجومی و تاریخی قابل مطالعه است که هر یک به سهم خود در شکوفایی

فرهنگ و تمدن اسلامی تأثیرگذار بوده است. میلادنگاری نجومی خاستگاه فلسفی دارد و در روم پیش از میلاد در میان هندیان رایج بوده است. سیر تحول آن در سه دوره نصرانیت، ارتداد و بازگشت روم به دین قابل بررسی است.^۱ حکیمان با رصد و پیشگویی حوادث آینده با تحصیل چهره‌های درخشان موافقت می‌کردند و برای ازدواج، تحویل سال و تعیین سعد و نحس ایام از آن بهره می‌بردند. هرمس، بطلمیوس، ذورثیوس، فالیس رومی، طینقروس، کنکه هندی، جودر هندی، نق هندی پیشگام میلادنگاری نجومی رومی و هندی هستند. منجمان در حوزه جغرافیایی اسلام با تأثیرپذیری از میلاد نگاشته‌های رومی و هندی کتاب‌هایی به نام موالید تألیف کردند.^۲ فراوانی میلادنوشته‌های نجومی در قرن‌های دوم و سوم حکایت‌گر استقبال مسلمانان از این دانش است، با این حال، از فعالیت اصحاب امامان علیهم‌السلام در این باب گزارشی یافت نشد.

اما میلادنگاری تاریخی بخشی از شرح حال‌نگاری است که در آن به زمان و مکان تولد اشخاص و نیز به مسائل مرتبط می‌پردازد. این پژوهش، میلادنگاری را در حوزه تاریخی، در قلمرو زمانی قرن‌های دوم و سوم و با تکیه بر نقش اصحاب امامان علیهم‌السلام در پیدایی، تحولات و تأثیرات آن پی‌می‌گیرد. نیز به عواملی مانند تأثیر اندیشه‌های شیعی، مسائل کلامی - تاریخی و تبارمولدنگاران در بررسی سیر تاریخی این دانش توجه دارد و به شرح حال کوتاهی از میلادنگاران برای ترسیم فضای فکری آنان پرداخته است. بنیان‌گذاری، زمینه‌سازی، توسعه و استمرار مولدنگاری با در نظر داشت جایگاه علمی، منابع معرفتی، گرایش‌های فکری، صنف‌شناسی نگارشی، تعامل با مخالفان و فرآیند انتقال آن به آیندگان مسائلی بوده که در این نوشتار مورد بررسی است.

این مقاله با تکیه بر اسناد و گزاره‌های تاریخی، مولدنگاشته‌های موجود، منطق حاکم بر آنها و نیز بهره‌گیری از ذهن‌شناسی صاحبان آثار، ره‌گیری اخبار آنان در آثار و منابع بعدی مکتوب شده؛ اما از ورود به بررسی سندی یا محتوایی اخبار به دلیل خروج موضوعی از نوشتار، پرهیز کرده است. فقدان برخی آثار و اخبار، تردید در صحت انتساب کتاب به مؤلف یا به کتابی خاص از مؤلفان دارای چند اثر، از دشواری‌های چنین پژوهشی به‌شمار می‌رود که گاهی باید با حدس و گمانه‌زنی پیش رفت.

در نوشته پیش‌رو، اصحاب با مفهومی گسترده‌تر از مفهوم شیعه شامل عامی مذهب‌ان نیز می‌شود و تکیه‌گاه اصلی پژوهش بر منابع کتاب‌شناسی، رجالی و آثار پابرجا از مولدنگاران است.

۱. بنگرید به: ندیم، *الفهرست*، ص ۳۰۳ - ۳۰۲.

۲. بنگرید به: ابن طاووس، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، ص ۱۳ - ۱۲، ۲۸، ۶۱ و ۲۰۶. در خصوص پیش‌گامان بنگرید به: ندیم، *الفهرست*، ص ۳۳۰ - ۳۲۷ و ۳۳۶ - ۳۳۳؛ حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۳۴.

الف) میلادنگاری تاریخی

۱. ابوالبختری، بنیان‌گذار میلادنگاری

این شاخه از تاریخ‌نگاری را ابوالبختری وَهَب بن وَهَب قُرَشی (م ۲۰۰) بنیان نهاد. زادگاه و زیست‌گاه او مدینه و از فقیهان، محدثان، نسب‌شناسان و مورخان مشهور اهل سنت بود. طوسی^۱ او را عامی مذهب و در شمار اصحاب امام صادق علیه‌السلام یاد کرده و ندیم و نجاشی وی را ربیبه آن حضرت شمرده‌اند.^۲ وی افزون بر تاریخ‌نگاری در حوزه مغازی و ایام‌العرب، با تدوین کتاب *مولد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و خبره مع النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*^۳ شاخه مولدنگاری را گشود و بر ارتقای فرهنگ و تمدن اسلامی تأثیر بسزایی نهاد. تلاقی گرایش خلافتی ابوالبختری با صحابی و ربیبه امام صادق علیه‌السلام بودن به احتمال فراوان، سبب نوعی واقع‌گرایی، اعتدال و بنیان‌گذاری این شاخه شده باشد.

خطیب بغدادی از این کتاب به «مولد علی بن ابی‌طالب» یاد کرده و براساس گفته وی، دست‌کم تا قرن پنجم تدریس می‌شده و محتوای آن افزون بر ولادت، شامل مسائلی مانند دوران جوانی، ایمان آوردن و ازدواج با حضرت فاطمه علیها‌السلام بوده است. ابوبکر احمد بن ابراهیم بن شاذان آن را نزد ابومحمد علوی (پنجمین نسل از نوادگان زیدبن علی علیه‌السلام) فراگرفت.^۴ سند طوسی به این کتاب از طریق احمد بن عبدون، معروف به ابن‌حاشر (م ۴۲۳) از ابومحمد علوی است^۵ که نشان از استفاده وی از این کتاب است، همان‌گونه که شیخ صدوق نیز از این کتاب استفاده کرده است.^۶ گفتنی است صدوق کتابی به نام *مولد امیرالمؤمنین علیه‌السلام* داشته^۷ که بر این اساس باید اخبار وی را منعکس کرده باشد. کتاب صدوق در شمار منابع ابن‌طاووس در نگارش کتاب *الیقین*^۸ بوده، با این تذکار که وی نام کتاب صدوق را *مولد مولانا علی علیه‌السلام بالبیت* آورده است.

با توجه به نام کتاب صدوق و استفاده وی از کتاب ابوالبختری، این گمان تقویت می‌شود که

۱. طوسی، *الفهرست*، ص ۲۵۶؛ همو، *رجال*، ص ۳۱۷.

۲. ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۳؛ نجاشی، *رجال*، ص ۴۳۰.

۳. همان؛ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۵۷.

۴. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۷، ص ۴۳۱.

۵. طوسی، *الفهرست*، ص ۲۵۷.

۶. نوری، *خاتمة المستدرک*، ج ۶، ص ۳۳۴ - ۳۳۳.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۲.

۸. ابن‌طاووس، *الیقین*، ص ۱۹۱.

برجسته کردن فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام انگیزه اصلی ابوالبختری برای تأسیس این شاخه بوده است. با این همه در منابع رجالی شیعه و سنی،^۱ عامی مذهب، دروغ گو و احادیث وی از امام صادق علیه السلام بی اعتبار و از محرکان خلیفه هارون برای قتل یحیی برادر نفس زکیه^۲ معرفی شده است. هرچند تردیدی نیست که وی بر محدثان و مورخان بعدی تأثیر فراوان نهاده و آثارش مورد استناد آنان قرار گرفته است. از او در خصوص ولادت یا شهادت امام علی علیه السلام روایتی به دست نیامد، اما *قرب الاسناد* حمیری (م ۳۰۰) با نقل ۱۱۰ حدیث، مهم ترین منبع برای دستیابی به احادیث ابوالبختری از امام صادق علیه السلام در ابواب مختلف فقهی است. یعقوبی نیز در حوزه مطالعات تاریخی از تاریخ نگاهشده های او در شمار منابع کتاب تاریخ خود یاد کرده است.^۳ مدائنی (م ۲۲۵) با استفاده از آثارش نامه معاویه به ابن عباس را از طریق ابوالبختری از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.^۴ مسعودی او را در موضوع اخبار و فرقه های خوارج همتای هیثم بن عدی (م ۲۰۷) و مدائنی (م ۲۲۵) قرار داده^۵ و به نظر می رسد خود وی نیز در این موضوع از آثار ابوالبختری بهره برده باشد. حسن بن محمد قمی در وصف پرچم های قبیله اشعریان به کتاب *الرایات* ابوالبختری استناد کرده است.^۶ احمد بن عثمان اَبهری اصفهانی (متوفای ۳۳۸) در کتاب *الطوالات* خویش و نیز ابوموسی مدینی (متوفای ۵۸۱) از روایات ابوالبختری^۷ و به احتمال از کتاب *مغازی* یا *صفة النبی* صلی الله علیه و آله او استفاده کرده اند. بدین ترتیب به رغم تضعیف های شدید ابوالبختری، تأثیر علمی او بر آثار شیعه و سنی تردیدناپذیر است، به گونه ای که بلاذری او را واسطه انتقال علم به نسل های تأثیرگذار بعدی دانسته است.^۸

برخی بر این باورند که ابومخنف (م ۱۵۷) کتابی به نام «*تولد امیرالمؤمنین* علیه السلام» داشته است که در این صورت وی مفتخر به گشودن شعبه میلادنگاری خواهد بود. بخرانی (م ۱۱۰۷) نخستین کسی است

۱. بنگرید به: نجاشی، رجال، ص ۴۳۰؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۵۹۷؛ ابن غضائری، رجال، ص ۱۰۰؛ ابن ابی حاتم، *الجرح والتعديل*، ج ۹، ص ۲۶ - ۲۵؛ عقیلی، *الضعفاء الکبیر*، ج ۴، ص ۳۲۵.
۲. ابوالفرج، *مقاتل الطالبین*، ص ۳۱۴.
۳. بنگرید به: یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۶.
۴. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۵، ص ۱۰۵.
۵. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۱۴۱.
۶. قمی، *تاریخ قم*، ص ۲۸۲.
۷. بنگرید به: ابن حجر، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج ۴، ص ۳۰۵.
۸. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۹، ص ۴۶۰ - ۴۵۹.

که این کتاب را به ابومخنف نسبت داده^۱ و عبدالنبی قزوینی (م ۱۲۰۰) در کتاب *تمتة ریاض العلماء* از کشف بخرانی چنان خرسند شده که وی را بر مجلسی ترجیح داده و او را کوه علم و دریای دانشی نامیده که نه در میان گذشتگان ماندنی داشت و نه در میان آیندگان همتایی خواهد داشت و افزوده که او به منابعی مانند *تولد امیرالمؤمنین علیه‌السلام* دست یافته که حتی مجلسی در کتاب *بحار الانوار* از آنها یاد نکرده است.^۲ آقابزرگ تهرانی نیز به استناد سخن بخرانی آن را در شمار آثار ابومخنف آورده است.^۳

امین و تهرانی نقدی بر سخن بخرانی ندارند و گویا آن را پذیرفته‌اند؛ اما مستند بخرانی هیچ پایه استواری ندارد، جز آنکه خبری طولانی و داستانی بی‌سند درباره تولد امام علی علیه‌السلام از ابومخنف از جابر در کتاب دیگرش، روایت کرده است.^۴ صرف نظر از داستانی بودن خبر که با شیوه تاریخ‌نگاری ابومخنف سازگار نیست، در منابع کهن نه به‌وجود چنین کتابی برای ابومخنف اشاره شده و نه به محتوای آن. اما مجلسی تنها بخشی از این خبر را بدون استناد به ابومخنف و جابر، از ابوالحسن بکری شافعی (م ۹۵۲ و مؤلف کتاب *الانوار، مفتاح السرور و الافکار فی مولد النبی المختار*) از امام علی علیه‌السلام (و نه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آورده است.^۵ بدین ترتیب خلط سند، محتوا و انتساب در کلام بخرانی آشکار است و باید بینان نهی ابوالبختری در مولدنگاری را با انگیزه فضایل‌نویسی باور داشت.

۲. استمرار میلادنگاری توسط مورخان

محدثان و مورخان در قرن‌های دوم و سوم با دو گرایش شیعی و سنی شامل اصحاب امامان علیهم‌السلام استمراربخش جریانی در تاریخ‌نگاری بودند که ابوالبختری آن را آغاز کرده بود. که در اینجا به یاد کرد نام برخی از آنان می‌پردازیم.

۱. **جهضمی بصری، نصر بن علی (م ۲۵۰)؛** وی از فقیهان سنی مذهب عراقی و مورد اعتماد رجال‌شناسان اهل سنت است. طوسی و رجال‌شناسان بعدی از وی در شمار اصحاب امام رضا علیه‌السلام یاد نکرده‌اند؛ اما او طول عمر امامان علیهم‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام را از امام رضا علیه‌السلام پرسیده و روایت

۱. بخرانی، *حلیة الابرار*، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۳۴۹.

۳. آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۳، ص ۲۷۴.

۴. بخرانی، *حلیة الابرار*، ج ۲، ص ۳۷۱ - ۳۶۷.

۵. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۵، ص ۲۸ - ۲۷؛ ج ۵۴، ص ۱۹۹ - ۱۹۸.

کرده است.^۱ از این رو باید از وی در شمار صحابی آن امام علیه السلام یاد کرد و افزود که طوسی از یادکرد وی در کتاب *رجال غفلت* کرده است.^۲ وی کتابی به نام *الموالی* نگاشته که در بردارنده^۳ نام، لقب، کنیه، تاریخ تولد، محل ولادت و وفات و نیز تاریخ و محل دفن افراد است. می توان گفت ابوالبختری مولدنگاری را بنیان نهاد، ولی کتاب *جهضمی*، قدیمی ترین کتاب پابرجا از این دست است.

با اینکه گزاره‌ای از میلاد رسول خدا صلی الله علیه و آله در *موالید جهضمی* وجود ندارد، هفدهم ربیع الاول و به نقلی دوازدهم آن ماه را از وی روایت کرده‌اند.^۴ همچنین جهضمی به یادکرد زمان وفات امام عسکری علیه السلام پرداخته و آورده است که موسی، فاطمه و عایشه فرزندان آن حضرت بوده‌اند و گفته است که امام علیه السلام به هنگام تولد فرزندش فرمود: «ستمکاران با نادیده گرفتن قدرت خداوند، می‌پندارند برای از بین بردن این نسل، مرا خواهند کشت.»^۵ او همچنین روایتی درباره مهدی و روایتی در شرح حال و کیلان خاص آن حضرت دارد.^۶ چون درگذشت جهضمی در سال ۲۵۰ بوده و عصر و کیلان در سال ۳۲۹ پایان یافته است، پس اخبار پیش گفته و در نتیجه انتساب کتاب را به جهضمی با نقد جدی روبه‌رو می‌کند. برای حل این مشکل، گاه از دو نصر بن علی جهضمی یاد شده که دومی نواده اولی است^۷ و گاه تألیف به خود امامان علیهم السلام منتسب شده که توسط امام بعدی به‌روز شده است. برخی نیز و گاهی مطالب افزوده را از دیگران دانسته‌اند.^۸

آنچه دو نظر قبلی را نقد، و نظر حذف و اضافه و در نتیجه انتساب کتاب را به جهضمی برتری می‌دهد و افزوده‌هایی از پسینیان مانند «ابن ابی تلج» را توجیه می‌کند، یکی آن است که بخش دوم کتاب به روایت فاریابی (فربابی) است نه به روایت جهضمی و دیگر آنکه تصور می‌شود مشخصات دیگران غیر از اهل بیت علیهم السلام را هم شامل بوده، ولی به لحاظ اهمیت موالید خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و نقل از امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام عسکری علیه السلام این بخش حفظ شده است،

۱. برخی عالمان، مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه، ص ۳؛ خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۳۷.

۲. بنگرید به: قاضی طباطبائی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، ص ۳۴۲.

۳. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۱۴.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۵۰.

۵. برخی عالمان، مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه، ص ۱۱۳ - ۱۱۲.

۶. ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۸۴.

۷. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۳۵۵ و بنگرید به: مزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۲۹، ص ۳۵۴ - ۳۵۵.

۸. برخی عالمان، تاریخ اهل بیت علیهم السلام نقلًا عن الائمه الباقر و الصادق و الرضا و العسکری علیهم السلام، ص ۵۸.

به‌عنوان مثال، طبری^۱ بدون استناد به کتابی، مشخصات فردی نوح علیه‌السلام را از جَهْضَمی به همان شیوه پیش‌گفته روایت و سن حضرت به هنگام رسالت، مدت ماندگاری در میان قومش و طول عمر وی را آورده است. ابن‌عساکر نیز ولادت اَشْعَب بن اُم‌حُمَیْده (م ۱۵۴) را در روز قتل عثمان و ختنه وی را در روز شهادت امام حسین علیه‌السلام از جَهْضَمی از اَصْمعی نقل کرده است.^۲

۲. عاصمی،^۳ احمد بن محمد بن طلحه؛ وی محدث و راوی مورد اعتماد کوفی و ساکن بغداد و از شاگردان علی بن حسن بن فضال و از مشایخ کلینی بود. او به احتمال نخستین کسی باشد که با نگارش کتاب‌های النجوم و موالید الائمة و اعمارهم^۴ میلادنگاری اسلامی را در دو حوزه نجومی و تراجمی استمرار بخشید. او از امامان علیهم‌السلام روایتی نقل نکرده و بدین‌معنا در شمار اصحاب امامان علیهم‌السلام یاد نشده،^۵ اما بنا بر نقل صدوق همتای عثمان بن سعید عمّری و فرزندش از وکیلان خاص ملاقات‌کننده با امام مهدی علیه‌السلام بوده^۶ و از این‌رو شاید بتوان وی را به نوعی از اصحاب آن حضرت شمرد.

ابن‌عُقدّه (م ۳۳۳) با تعبیر «حدثنا» از عاصمی روایت کرده که امام صادق علیه‌السلام از دوازده مهدی بدین‌گونه یاد کرده که شش تن آنان در گذشته‌اند و شش تن باقی‌مانده‌اند و خداوند با ششمین باقی‌مانده آنچه بخواهد، خواهد کرد.^۷ به‌نظر می‌رسد این عقده، کتاب موالید عاصمی را در اختیار داشته و از آن روایت کرده است. همچنین فرات (م ۳۵۲) از عاصمی به احمد بن محمد خراسانی یاد کرده که احتمالاً مدتی در خراسان زیسته است. او با تعبیر «حدثنی» روایاتی از عاصمی در باره امام علی علیه‌السلام و امام مهدی علیه‌السلام آورده که گویی کتاب موالید وی را در اختیار داشته است.^۸

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۱۷۹ و بنگرید به: ص ۱۹۱.

۲. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۹، ص ۱۵۲ ابن‌حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۳۷۷. با این تفاوت که جَهْضَمی به حمصی تصحیف شده و این تصحیف را روایات جَهْضَمی از اَصْمعی تأیید می‌کند (بنگرید به:

ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۰، ص ۲۹۶)

۳. تصحیف عاصمی به عاصی را بنگرید: ابن‌شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۵۲.

۴. نجاشی، رجال، ص ۹۳.

۵. طوسی، رجال، ص ۴۱۶.

۶. صدوق، کمال الدین، ص ۴۴۲.

۷. ابن‌عُقدّه، فضائل امیرالمؤمنین، ص ۱۵۵.

۸. بنگرید به: فرات کوفی، تفسیر، ص ۱۴۶، ۳۲۹، ۳۹۹ و ۵۶۳.

ب) مولدنگاشته‌های تاریخ عنوان

برخی میل‌دنگاشته‌ها و وفات‌نگاشته‌ها نام «تاریخ» به خود گرفته‌اند. به عنوان مثال از *موالید جَهْضَمی* به *تاریخ آل الرسول* یا *تواریخ الائمه* یاد کرده‌اند.^۱ حسینی جلالی آن را *تاریخ اهل‌البیت* نامیده^۲ که نشان می‌دهد این تغییر عناوین بیشتر مربوط به دوره‌های بعدی است. کتاب *موالید الائمه* ابن ابی‌ثَلَج بغدادی، ابوبکر محمد بن احمد (م ۳۲۵) از شیعیان مورد اعتماد و غیرصحابی نیز *تاریخ الائمه* نامیده شده است.^۳ *تاریخ الائمه* ابن خَشَاب (م ۵۶۷)^۴ نیز به احتمال همان روایت *موالید جَهْضَمی* همراه با افزوده‌هایی بر آن باشد. واژه تاریخ در این کتاب‌ها به دلیل محدودیت موضوعی می‌تواند به معنای زمان (زمان ولادت یا رحلت) باشد نه مجموعه حوادث گذشته. عنوان تاریخ‌نگاشته منسوب به ابن جُمهور عمّی (م ۲۱۰) از صحابیان امام رضا^۵ به نام *تاریخ موالید الائمه* و *أعمارهم* این سخن را دقیق‌تر نشان می‌دهد.

عمّی (م ۲۱۰) از بنوعم، شاخه‌ای از قبیله بنوتمیم بصره^۵ و همان محمد بن حسن بن محمد بن جُمهور است.^۶ عمّی گاهی به قُمی^۷ و گاهی به عَجَمی تصحیف شده است، اما چنانچه بنوعمّ اندکی پیش از فتوحات اسلامی به سرزمین ایرانیان وارد شده و آداب و علوم فارسیان را پذیرفته باشند،^۸ عَجَمی در ردیف عمّی و نه تصحیف آن خواهد بود.

برقی، تنها رجال‌شناسی است که ابن جُمهور را از اصحاب امام کاظم^۹ شمرده، اما بدون تردید در شمار اصحاب امام رضا^{۱۰} و از کسانی است که پس از شهادت امام هفتم^{۱۱} برای شناخت امام

۱. بنگرید به: آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۳، ص ۲۱۲ و ج ۴، ص ۴۷۳ و ج ۲۳، ص ۲۳۵.

۲. برخی عالمان، *تاریخ اهل بیت*، ص ۵۰.

۳. طوسی، *رجال*، ص ۴۴۳ و ۴۴۸؛ همو، *الفهرست*، ص ۲۳۰؛ نجاشی، *رجال*، ص ۳۸۱.

۴. آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۳، ص ۲۱۷.

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۳۳۷؛ طوسی، *رجال*، ص ۳۶۴ و بنگرید به: سمعانی، *الانساب*، ج ۴، ص ۲۴۳.

۶. بنگرید به: طوسی، *رجال*، ص ۴۴۸؛ همو، *الفهرست*، ص ۲۲۳. ندیم وی را محمد بن حسین خوانده است (*الفهرست*، ص ۲۷۸ و بنگرید به: خویی، *معجم الرجال الحدیث*، ج ۱۶، ص ۱۹۱؛ تستری، *قاموس الرجال*، ج ۹، ص ۱۷۸).

۷. بنگرید به: ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ج ۳، ص ۳۵۵؛ ابن طاووس، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، ص ۹۶.

۸. آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۵، ص ۷.

۹. برقی، *رجال*، ج ۱، ص ۵۱.

بعدی به مدینه رفت و پس از ملاقات با عبدالله اَفْطَح بطلان ادعای وی را دریافت؛^۱ اما گرایش غالبانه وی را موصوف به فساد مذهب کرد.^۲ او کتابی به نام *تاریخ موالید الائمه* علیهم‌السلام و *اعمارهم*^۳ را نگاشت که از آن نه خبری برجا مانده و نه در منابع پیشین به آن اشاره شده است. گویا ابن‌ذارع نیز با نظرداشت تاریخ به معنای زمان، همین واژه را به کار برده و عنوان کتابش را *تاریخ موالید اهل البیت* نهاده است. احمد بن نصر، معروف به ابن‌ذارع نهروانی از محدثان مشهور سنی مذهب بغداد در قرن چهارم هجری است.^۴ فهرست‌نگاران و رجال‌شناسان شیعی و سنی شرح حال چندانی از وی به دست نداده‌اند، ولی رضا کحاله بدون ارایه سندی تاریخ وفات وی را سال ۳۶۵ گفته است.^۵

ابن‌ذارع با اینکه به سرقت علمی و دروغ‌گویی موصوف است،^۶ اخباری از کتاب *موالید* وی مورد استناد مؤلفان شیعه و سنی قرار گرفته است. تفاوت برخی اخبار وی با کتاب *جَهْضَمی* نشان می‌دهد وی صرفاً روایت‌گر کتاب *جَهْضَمی* نبوده و باید از وی به‌عنوان مؤلف یاد کرد. روایت ابن‌بُکیر (م ۳۸۸) از وی درباره پاداش کسانی که نامشان احمد یا محمد است،^۷ بیانگر کهن‌ترین سند مکتوب از ابن‌ذارع است. واژه «حَدَّثَنَا» در سند این خبر می‌تواند حکایت‌گر نقل قول مستقیم از استاد باشد؛ اما از آنجایی که نام‌گذاری فرزندان ارتباط نزدیکی با موضوع مولدنگاری دارد، دور از ذهن نیست که خبر پیش‌گفته را از کتاب ابن‌ذارع گرفته باشد. نقل *سینط بن جوزی* و *طبری* شیعی از کتاب وی نشان می‌دهد دست‌کم آن کتاب تا اواخر قرن هفتم منبع محدثان و مورخان بوده است.^۸

۱. ابن‌شهر آشوب، *معالم العلماء*، ج ۳، ص ۴۹.
۲. طوسی، *رجال*، ص ۳۶۴؛ نجاشی، *رجال*، ص ۳۳۷.
۳. بنگرید به: ابن‌شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۱۳۹.
۴. ذهبی، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ج ۱، ص ۱۶۱. ذارع نوعی انتساب شغلی به مفهوم اندازه‌گیر لباس و زمین (ابن‌ماکولاً، *الاکمال فی رفع الاریاب*، ج ۱، ص ۳۹۸؛ سماعی، *الانساب*، ج ۳، ص ۵) و تصحیف شده به ذراع، دارع، دراع، زارع و زراع است. (بنگرید به: برخی عالمان، *مجموعه نفیسة فی تاریخ الائمه*، ص ۱۶۰؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۳، ص ۳۲۰؛ *طبری* شیعی، *ذخائر العقبی*، ص ۵۲؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۶، ص ۳۳۵)
۵. کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۲، ص ۱۹۵.
۶. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۳، ص ۳۲۰؛ ج ۴، ص ۳۸۲؛ ج ۹، ص ۳۳۳؛ ذهبی، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ج ۱، ص ۱۶۱.
۷. ابن‌بُکیر، *فضائل التسمیة باحمد و محمد*، ص ۱۶.
۸. بنگرید به: *سینط بن جوزی*، *تذکرة الخواص*، ص ۲۸۸؛ *طبری* شیعی، *ذخائر العقبی*، ص ۵۲، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۴۳ و ۱۴۶.

دیاربکری (م ۹۶۶) نیز سه خبر بدون سند از ابن ذارع آورده^۱ که بعید نیست از طبری شیعی گرفته باشد.

ابن خَشَّاب حنبلی (م ۵۶۷) نیز کتابی به نام *تاریخ موالید الأئمة و وفیاتهم، موالید اهل البيت* یا *موالید الأئمة* داشته که بر کتاب ابن ذارع تکیه کرده و مواردی بر آن افزوده است. محتوای کتاب ابن خَشَّاب شبیه کتاب جَهْمُضَمی است، اما با افزوده‌ها و تغییراتی در عبارات، سند و چینش مطالب که وی را از روایت‌گری صرف خارج می‌کند. او از دو فرزند برای امام علی علیه السلام به نام عباس یاد کرده است: یکی زاده أم البنین کلابی و دیگری زاده أم حبیب تغلبی که هر دو در کربلا شهید شدند.^۲ همان‌گونه که او وجود مهدی صاحب زمان، فرزند صالح امام عسکری علیه السلام، نام و کنیه وی، نام مادر و قیام آن حضرت در آخرالزمان را از ابن ذارع و دیگران روایت کرده^۳ و بدین ترتیب از اعتقاد برخی سنیان پیشین به وجود مهدی علیه السلام به‌عنوان امام دوازدهم خبر داده است.

از این رهگذر احتمال می‌رود کتاب *الانوار فی تواریخ الأئمة الاطهار علیهم السلام نوشته اسماعیل بن علی نوبختی از صحابیان امام عسکری علیه السلام^۴ نیز نمونه‌ای از مولدنگاشته‌های «تاریخ‌عنوان» باشد. نوبختی با لقب شیخ المتکلمین از اصحاب امام عسکری علیه السلام و از گواهان تولد امام مهدی علیه السلام و در گذشته سال ۳۱۱ در دوره نیابت حسین بن روح نوبختی است. تشابه‌عنوان کتاب وی با مولدنگاران، موجب پندار قلم‌زنی وی در شاخه مولدنگاری است؛ اما بافت فکری، شیوه استدلال، عقل‌گرایی نوبختیان و نیز فهرست کتاب‌های وی حاکی از عدم ورود او به حوزه مطالعات فقهی، حدیثی و تاریخی است. گویا او برای تثبیت مسئله امامت مهدی علیه السلام، مباحث کلامی - اعتقادی مربوط به یازده امام علیهم السلام را در کتاب *الانوار* جمع کرده باشد. در این صورت نباید وی را در شمار مولدنگاران و حتی مورخان یاد کرد. از آثار وی کتابی در دست نیست، ولی برخی آرای وی را می‌توان از لابه‌لای منابع و متون استخراج کرد.*

پس از نوبختی، ابوعلی محمد بن ابی‌بکر بن همام اسکافی (م ۳۳۶) از اصحاب نابیان امام مهدی علیه السلام^۵

۱. دیاربکری، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس*، ج ۱، ص ۴۱۷ و ج ۲، ص ۲۹۳ و ۲۹۹.

۲. برخی عالمان، *مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمة*، ص ۱۷۱ - ۱۷۰.

۳. همان، ۲۰۲ - ۲۰۰.

۴. نجاشی، *رجال*، ص ۳۲.

۵. بنگرید به: صدوق، *کمال الدین*، ص ۴۸۳؛ طوسی، *مصباح المتجهج*، ص ۴۱۲.

و از گواهان نیابت حسین بن روح نوبختی^۱ نیز کتابی به همین نام، یعنی *الانوار فی تاریخ الائمه* علیهم‌السلام^۲ نگاشت. مطالعه اخبار برجای مانده از آن نشان می‌دهد که وی کتاب خود را با رویکرد معجزه‌نگاری نوشت و به همین سبب، با استقبال معجزه‌نگاران و فضایل‌نویسان قرن‌های بعدی روبه‌رو شد. که خبر سخن گفتن جام در دست رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و گفتگوی امام علی علیه‌السلام با جمعه انوشیروان را از وی نقل کرده‌اند.^۳ ابن شهر آشوب از این کتاب در حوزه مسائل تاریخی - فضایی بهره برده و خبر مسموم شدن امام مجتبی علیه‌السلام، ولادت امام حسین علیه‌السلام و شهادت امام کاظم علیه‌السلام را از وی نقل کرده است.^۴

اما ابن‌ادریس در مسائل تاریخی و درگذشت افراد از این کتاب بهره برده و در رد گفتار مفید که امام سجاده علیه‌السلام را علی‌اکبر می‌داند، ترجیح داده از نظر ابن‌همّام استفاده کند و او را از *اصحاب السیر و الاخبار و التواریخ*، همتای طبری و ابن‌قتیبه و از مصنفان و محققان شمرده است. از این‌رو به استناد مورخان از جمله وی، در باره شهادت علی بن الحسین علیه‌السلام در کربلا که آیا علی‌اصغر بوده یا علی‌اکبر نظر داده است.^۵ کتاب ابن‌همّام در شمار منابع ابن‌طاووس^۶ نیز بوده و از آن درخصوص تعیین قبر امام علی علیه‌السلام بهره برده است. این کتاب در دوره‌ای نامعلوم خلاصه شده و مجلسی از منتخب آن استفاده کرده است.^۷ (انتشارات دلیل ما آن را با تحقیق علیرضا هزار در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است. محقق کتاب برای دقت بیشتر، از کتاب‌های تاریخ اهل البیت علیهم‌السلام نصر بن جهمّضمی، *تاریخ الائمه ابن‌لج و تاریخ ابن‌خشاب* استفاده کرده است.)

۱. جلی، خلاصه الاقوال، ص ۴۳۲.

۲. نجاشی، رجال، ص ۳۸۰.

۳. بنگرید به: طبری شیعی، *نوادیر المعجزات*، ص ۲۱ - ۲۰؛ ابن‌عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، ص ۶ و ۱۰؛ بحرانی، *مدینه المعاجز*، ج ۱، ص ۱۵۲ و ۲۲۵؛ بنگرید به: قمی، *الفضائل*، ص ۷۱ با همان سند و بدون استناد به کتاب ابوعلی.

۴. ابن‌شهر آشوب (*مناقب آل‌ابی‌طالب*، ج ۳، ص ۲۰۲، ۲۰۹ و ۴۴۱. نیز بنگرید به: ص ۲۷۸ - ۲۷۷ و ۴۱۶) یا به گلبرگ، *کتابخانه ابن‌طاووس*، ص ۱۹۰: *الانوار* مورد استفاده ابن‌شهر آشوب را از صاحب بن عباد (م. ۳۸۵) یا به استناد فهرست ابن‌بابویه (بنگرید به: فهرست، ص ۷۶) از ابوالحسن موصلی (م. قرن ۶) دانسته است. اما با توجه به اخبار برجایمانده و به‌دست دادن فضای فکری حاکم بر کتاب و همسویی آن با نقل‌های ابن‌شهر آشوب، به نظر می‌رسد، *الانوار* ابن‌همّام صحیح باشد.

۵. ابن‌ادریس، *السرائر*، ج ۱، ص ۶۵۶ استناد فقیهان به مورخان در نوشتار مستقلی قابل پژوهش است.

۶. ابن‌طاووس، *فرحة الغری*، ص ۱۲۹ و ۱۳۴ و ۱۳۷.

۷. بنگرید به: مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱، ص ۱۷.

ابن همام در مقدمه کتاب خود هدف از تدوین چنین کتابی را نقص کتاب‌های پیشین در حوزه مطالعات تاریخ ائمه علیهم‌السلام دانسته و تصریح کرده که از تاریخ‌نگاشته‌ای با محتوای سن، نسب، کنیه، لقب، نام پدر و مادر، باب، مکان دفن، شهیدان و کشته‌شدگان امامان علیهم‌السلام و خلفای معاصر آنان غفلت شده است. او برای جبران این نقص، کتاب *الانوار* را با در نظر داشت محورهای یاد شده در احوال شخصی هر امام علیهم‌السلام نگاشت و از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرزندان وی نیز یاد کرد.^۱ ابن همام ذیل اسامی امیرالمؤمنین علیه‌السلام گوید: اگر پرهیز از درازگویی نبود، تک تک نام‌های حضرت و تفسیر آنها را می‌آوردم. در دنباله این مطلب عبارت «أنا أذكر في المناقب»^۲ آمده است، که اگر این تعبیر افزوده تلخیص کننده نباشد، باید نام کتاب دیگری از ابن همام باشد. در این صورت توجه وی به تفکیک مسائل تاریخی از کلامی قابل ستایش خواهد بود. با این حال، منابع موجود اشاره‌ای به وجود چنین کتابی ندارند و همان گونه که گذشت، گزاره‌های برجای مانده از کتاب *الانوار* نیز حکایت‌گر خلاف آن است.

با توجه به گفته‌ها و برخلاف نظر حسینی جلالی^۳ نمی‌توان کتاب ابن همام را نسخه روایت شده‌ای از کتاب *جَهْضَمِي* دانست، گرچه بر آن تکیه کرده باشد.

صالح صرّامی، تصحیف شده به صرّای و صرّافی،^۴ از مورخان و معاصران شیخ صدوق (م ۳۸۱) نیز با تدوین کتابی به نام *تاریخ الائمة* نام‌گذاری تاریخ را به معنای زمان در مولدنگاری ادامه داد.^۵ این شیوه نام‌گذاری تاکنون برای مولدنگاشته‌ها رایج است. به عنوان مثال محمدتقی تستری (م ۱۴۱۵) *رساله فی تواریخ النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل علیهم‌السلام* را نگاشته و یدالله مقدسی جدیدترین اثر را در سال ۱۳۹۱ با نام *تاریخ پژوهی ولادت و شهادت معصومان* منتشر کرده است.

ج) مولدنگاشته‌های اخبار عنوان

در کنار مولدنگاشته‌های تاریخ‌عنوان باید از مولدنگاشته‌های اخبار عنوان نیز یاد کرد. «اخبار» عنوانی مرادف با «تاریخ» در معنای مولد به کار رفته است. ابن سابور کوفی، ابوعبدالله جعفر بن محمد، وابسته

۱. بنگرید به: ابن همام، *منتخب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار علیهم‌السلام*، ص ۳۹ - ۳۸.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. برخی عالمان، *تاریخ اهل البیت علیهم‌السلام نقلاً عن الائمة الباقر و الصادق و الرضا و العسكري علیهم‌السلام*، ص ۱۷.

۴. بنگرید به: خوبی، *معجم الرجال الحدیث*، ج ۱۰، ص ۸۹؛ بروجردی، *طرائف المقال*، ج ۱، ص ۱۴۷.

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۱۹۹ و بنگرید به: آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۳، ص ۲۱۶.

اسماء بن خارجه فزاری از مولدنگاران غیرصحابی^۱ قرن سوم است که با استمرار مولدنگاری نام *اخبار الائمة و موالیدهم* علیهم‌السلام^۲ را برای کتابش برگزید و ابن همّام اسکافی از روایان اوست، که نجاشی تعجب کرده چرا او باید از جاعل حدیث و روایت‌گر ضعیفان و ناشناخته‌ها روایت کند. کتاب ابن‌سابور از منابع حسین بن حمّان خصبی (م ۳۳۴) در نگارش کتاب *الهدایة الکبری* بوده^۳ که نشان می‌دهد این کتاب دست‌کم تا قرن چهارم مورد استناد قرار گرفته است.

د) تأثیر مولدنگاری بر وفات‌نگاری

هم‌زمان با گشوده شدن شاخه مولدنگاری زمینه برای ایجاد شاخه دیگری به نام وفات‌نگاری^۴ پدید آمد. به‌نظر می‌رسد فضای حاکم بر مولدنگاری‌ها، از عوامل پدید آمدن وفات‌نگاری باشد. مطالعه قدیم‌ترین مولدنگاری‌ها آشکار می‌کند که وفات، نخستین اطلاعی است که آنها در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. جَهْضَمی مشخصات فردی اهل بیت علیهم‌السلام (جز حضرت فاطمه علیها‌السلام) را در کتاب *الموالید* با زمان درگذشت شروع کرده و در خصوص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام درگذشت را هم در ابتدا و هم در انتها آورده است. با این حال فاریابی امامان نهم تا دوازدهم علیهم‌السلام را با زمان ولادت آنان شروع کرده است.

واقدی (م ۲۰۷) مولدنگاری را در چند محور گسترش داد. او هم کتاب‌هایی با نام *مولد النبی* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و *مولد الحسن* علیه‌السلام و *الحسین* علیه‌السلام نگاشت و هم به‌نظر می‌رسد تحت‌تأثیر مولدنگاری، شاخه‌ای به نام وفات‌نگاری گشود و *سیره ابی‌بکر و وفاته*^۵ را نگاشت. به‌نظر می‌رسد تفکیک این دو شاخه با تدوین سیره ابوبکر و وفات وی و تعمیم این شاخه از اهل بیت علیهم‌السلام به دیگران نشان از نگاه تخصصی و شیوه تاریخ‌نگارانه واقدی است که برخلاف دیگران نگرش کلامی - فضایی را کم‌رنگ می‌کند. گویا این تفکیک و شیوه مورد پذیرش سلمة بن خطاب رازی، ابوالفضل براؤستانی از دورقانی شیعی (م ۲۷۰) قرار گرفت. او از هر دو عنوان در تدوین کتاب *مولد الحسین بن علی* علیه‌السلام و *مقتله*^۶

۱. طوسی، رجال، ص ۴۱۸.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۲۲.

۳. بنگرید به: خصبی، *الهدایة الکبری*، ص ۳۵۹.

۴. وفات‌نگاری در این نوشتار شامل مقتل‌نگاری نیست.

۵. ندیم، الفهرست، ص ۱۱۱.

۶. نجاشی، رجال، ص ۱۸۷.

استفاده کرد و ضمن استمرار حرکت مولدنگاری در فرصتی دیگر با تدوین کتاب *وفاته النبی* به‌طور مستقل، این تفکیک را به اوج رساند.

در این میان، عبدالسلام ابوصلت هَرَوی (م ۲۳۶) وفات‌نگاری را با همان رویکرد مولدنگاری و گرایش حدیثی ادامه داد و وفات‌نگاری معاصر (یا به تعبیر تسامحی تاریخ شفاهی) را بنیان نهاد. او زاده و رشد یافته مدینه، دارای پیوند ولاء خاندانی با عبدالرحمان بن سَمْرَه قریشی و به اعتبار هراتی بودنش هَرَوی^۱ و به تعبیر طوسی^۲ از اصحاب عامی مذهب امام رضا علیه السلام است. گویا رویکرد حدیثی - تاریخی وی سبب شد تا مورخی مانند نصر بن مُزاحم، استاد وی باشد^۳ و سی سال در حدیث از دانش سفیان بن عُیینه بهره ببرد.^۴ همین رویکرد، کسانی مانند عبیدالله طاهری، امیر بغداد،^۵ احمد بن سیار مَرّوزی (م ۲۶۸) و مؤلف کتاب‌های *الفتوح و تاریخ مروروذ*، پسر ابوصلت به نام محمد بن عبدالسلام و نیز محمد بن علی مدینی را در شمار شاگردان و راویان وی قرار داد.^۶

او با اینکه از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به نیکی یاد می‌نمود، امویان را نقد می‌کرد.^۷ از این‌رو، با توثیق^۸ و تضعیف^۹ اهل سنت روبه‌رو شده، برخی وی را حتی شیخ شیعه و شیعی تند خوانده‌اند.^{۱۰} پاره‌ای از شیعیان نیز براساس شواهدی عامی بودن ابوصلت را به‌معنای هم‌نشینی و نقل روایات اهل سنت دانسته‌اند^{۱۱} که تعبیر «صحیح الحدیث» در کلام نجاشی^{۱۲} گرایش شیعی وی را تأکید می‌کند. با این حال بعید نیست پس از همراهی با امام رضا علیه السلام تحول فکری یافته باشد؛ زیرا که وی

۱. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

۲. طوسی، *رجال*، ص ۳۶۹.

۳. بنگرید به: منقری (نصر بن مزاحم)، *وقعة صفین*، ص ۵۶۵.

۴. ذهبی، *سیر الاعلام النبلاء*، ج ۱۱، ص ۴۴۸.

۵. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۰، ص ۳۳۹ و ج ۱۱، ص ۴۸ - ۴۷.

۶. بنگرید به: مزی، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، ج ۱۸، ص ۷۵.

۷. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۰، ص ۲۰۲ - ۱۹۹.

۸. ابن شاهین، *تاریخ أسماء الثقات*، ص ۱۵۶.

۹. ابن حبان، *الثقات*، ج ۸، ص ۴۵۶؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۱، ص ۵۲ - ۴۹.

۱۰. بنگرید به: طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۸۷۲؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۱، ص ۴۴۶؛ همو،

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۶۱۶.

۱۱. خویی، *معجم الرجال الحدیث*، ج ۱۱، ص ۲۰ - ۱۸.

۱۲. نجاشی، *رجال*، ص ۲۴۵.

را عالم‌ترین یافت،^۱ پیوسته وی را همراهی کرد و به «خادم الرضا علیه‌السلام» شهرت یافت.^۲ او با تکیه بر دو عنصر صراحت لهجه و تعامل با اهل سنت از خود چهره‌ای معتدل ساخت، مناسبات خود با اهل سنت و حاکمان را حفظ کرد و این چنین هم به تبیین اندیشه‌های شیعی پرداخت و هم به‌رغم داشتن گرایش فضایی، به نوعی با غلو مبارزه کرد و نشان داد مخالفان اهل بیت علیهم‌السلام خاستگاه برخی مطالب غلوآمیز هستند.^۳

ابوصلت و نوقلی اخبار مربوط به آن امام علیه‌السلام را با دو رویکرد متفاوت گزارش کرده‌اند و نگارش تاریخ معاصر را بر عهده گرفتند که از نزدیک شاهد رخدادهای آن بودند. به نظر می‌رسد شکوفایی این نوع تاریخ‌نگاری در میان اصحاب امامان علیهم‌السلام محصول ولایتعهدی و نزدیکی امام علیه‌السلام به قدرت سیاسی باشد. ابوصلت همراه امام علیه‌السلام از نیشابور به مرو و گزارشگر اخبار و کرامات آن حضرت شد. مانند: درخواست محدثان نیشابور از امام علیه‌السلام، دعای امام علیه‌السلام (درباره کوه‌سنگی)، این بیان که خانه حُمَید بن قحطبه آرامگاه من و زیارتگاه شیعیان من خواهد بود^۴ و آشکار کردن چشمه آبی در نزدیک روستای «حمراء» که تا کنون به «عین الرضا» معروف است.^۵

ابوصلت پس از شهادت امام علیه‌السلام مدتی در نیشابور زیست، مجلس درس دایر کرد^۶ و در تلاش بود از طریق رابطه با حاکمان (دانش دوست) طاهری حوادث عصر رضوی را بازگو کند.^۷ از این رو جز اندک مواردی، از امام رضا علیه‌السلام روایت کرد و افزون بر نقل شفاهی روایات تاریخی، کتاب *وفاء الرضا علیه‌السلام* را نوشت و در دو عرصه نقل تاریخ معاصر و نقل میراث مکتوب، رسالت خود را ایفا کرد. اخباری که در پی می‌آید، نشان می‌دهد که ابوالفرج و صدوق بخش‌هایی از آن کتاب را منعکس کرده اند، که بیانگر مرجعیت علمی آن دست‌کم تا پایان قرن چهارم است. به احتمال، کتاب نزد ابراهیم بن هاشم قمی و سپس فرزندش علی بن ابراهیم بوده و دیگران آن را از طریق وی نقل کرده‌اند. دیگر

۱. طبرسی، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، ج ۲، ص ۶۴.

۲. مزی، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، ج ۱۸، ص ۷۳.

۳. به‌عنوان نمونه بنگرید: صدوق، *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. ابن حمزه، *الثاقب فی المناقب*، ص ۱۴۶ - ۱۴۵.

۶. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ مزی، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، ج ۱۸، ص ۷۳.

۷. به‌عنوان مثال بنگرید: صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۰۶؛ طوسی، *الامالی*، ص ۴۴۹ و ۴۵۱؛

خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۳، ص ۳۷ و ج ۱۱، ص ۴۸.

روایات ابوصلت نیز بیشتر از طریق ابراهیم بن هاشم به دیگران منتقل شده است. اخبار زیر می‌تواند نمونه‌هایی از اخبار کتاب *وفاة الرضا* باشد، که مؤلفان بدون نام کتاب، به ذکر سند اکتفا کرده‌اند:

- اخبار گفتگوی ابوصلت با مأمون، کنیه امام رضا علیه السلام، آگاهی دادن امام رضا علیه السلام از مسموم شدنش به دست مأمون، مکان دفن خود و نشانه‌های آن.^۱

- اخبار حبس و قید بودن امام رضا علیه السلام در سرخس، ملاقات دعبل با امام علیه السلام در مرو و انشاد قصیده معروف او و پاداش آن حضرت، تبیین سهو رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز و کشته شدن امام حسین علیه السلام (در رد تصور برخی کوفیان) ملاقات قمی‌ها با امام علیه السلام و خبر آن حضرت به دفن خود در توس، مسمومیت امام رضا علیه السلام با زهر و خبر از شهادت، مکان و کیفیت دفن خود و نماز امام جواد علیه السلام بر خود، تحلیل مأمون از واگذاری ولایتعهدی به امام علیه السلام و کشتن آن حضرت.^۲

مأمون ابوصلت را به دلیل نقشی که در انتقال اخبار شهادت امام علیه السلام ایفا می‌کرد، یک سال زندانی نمود و با کرامت خارق‌العاده امام جواد علیه السلام آزاد شد^۳ و بنابر افزوده راوندی، از سوی آن امام علیه السلام ناگهان خود را در هرات دید و از سلطه مأمون رهایی یافت.^۴ صرف‌نظر از رد و قبول انتقال وی به هرات، افشاگری ابوصلت در عصر مأمون (م ۲۱۸) را می‌توان دریافت.

ابوصلت مانند بیشتر مولدنگاران و وفات‌نگاران، اخبار دیگری از امام رضا علیه السلام را گزارش کرده که به لحاظ گرایش فضایی و شرایط زمانی، جنبه‌های اعجاز و کرامت را بیشتر برجسته کرده است؛ اخباری مانند: کرامت آن امام علیه السلام در نفرین به مأمون، پاسخ به ایراد مأمون که چگونه امام علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم است، فصیح سخن گفتن امام علیه السلام با اقوام مختلف با زبان‌های خودشان، پرسش مأمون از امام علیه السلام درباره آفرینش عرش و آب و ملائک، مناظره ابن جهم با امام علیه السلام درباره عصمت و خطای انبیاء علیهم السلام، اصحاب رس؛ ارکان سه‌گانه ایمان؛ نشانه‌های قائم علیه السلام و درمان سردرد.^۵ اخبار دیگری از ابوصلت نشانگر گرایش تاریخی - کلامی اوست که با پذیرش آنها بعید نمی‌نماید

۱. ابوالفرج، *مقاتل الطالبین*، ص ۳۸۰ - ۳۷۴.

۲. صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۷، ۲۱۹، ۲۶۵ - ۲۶۴، ۲۷۴ - ۲۷۱، ۲۹۱ و ۲۹۴.

۳. همان، ص ۲۷۴.

۴. راوندی، *الخرائج والجرائح*، ج ۱، ص ۳۵۶.

۵. صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۹۲، ۱۷۲ - ۱۷۰، ۱۸۶ - ۱۸۵، ۲۵۱، ۲۹۴ و ج ۲، ص ۱۲۳، ۱۸۳، ۲۰۵ - ۲۰۴ و ۶۵۲.

۶. ابن بسطام، *طب الائمة*، ص ۱۹ - ۱۸.

کتاب دیگری هم داشته است. اخباری مانند وصف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره خلافت ابوبکر، عمر و امام علی علیه‌السلام^۱ یا وضعیت سیاسی اجتماعی در عصر عثمان، عوامل روگردانی مردم از او، بیعت با امام علی علیه‌السلام، نخستین خطبه آن حضرت پس از تصدی حکومت، تقسیم بالسویه بیت‌المال نخستین عملکرد آن امام علیه‌السلام، مخالفت پیمان‌شکنان با آن حضرت علیه‌السلام^۲.

بدین ترتیب محوری را که ابوالبختری گشود به تدریج سامان بهتری یافت و مولدنگاری از نگارش در باره تولد یک تن به موالدنگاری ارتقا یافت و با ضمیمه شدن وفات‌نگاری به آن راه تکاملی خود را پیدا نمود؛ به‌گونه‌ای که گاهی وفات‌نگاری زیر مجموعه مولدنگاری قرار گرفت. طبرسی (م ۵۴۸) هر دو عنوان موالد و وفیات را زیرمجموعه موالد قرار داد و کتاب *تاج الموالد* *فی موالد الائمه علیهم‌السلام و وفیاتهم* را نگاشت.^۳

در تطور مولدنگاری باید افزود که با اثر آفرینی ابن خلکان (م ۶۸۱) در تدوین علمی و سامان‌یافته کتاب *وفیات الاعیان* و نیز تکمیل آن توسط صفدی (م ۷۶۴) با عنوان *الوفای بالوفیات*، وفیات‌نگاری راه خود را جدا کرد و رونق و ماندگاری بیشتری یافت. انگیزه ابن خلکان برای تدوین کتابش علاقه به اخبار گذشتگان و تاریخ وفات و تولد آنان بوده است. از این‌رو، اسم کتاب خود را *وفیات* نامید و به شرح حال نام‌آورانی پرداخت که اخبارشان مورد علاقه مردم بود. او در گزینش شخصیت‌ها از محدوده منطقه‌ای، فرقه‌ای و شغلی فراتر رفت و برای دسترسی آسان به شرح حال آنان، از شیوه الفبایی استفاده کرد، نه سال ولادت یا وفات افراد.^۴

با در نظر داشت آنچه گذشت، به نظر می‌رسد مولدنگاران به اخبار و حوادث مرتبط با ولادت بسنده نمی‌کردند و از موضوعات دیگری مانند معجزات نیز سخن می‌گفتند. نمونه آن کلینی (م ۳۲۹)^۵ است که در باب «مولد امیرالمؤمنین علیه‌السلام» افزون بر زمان تولد و بشارت ابوطالب بر تولد آن حضرت، از مادر، مکان دفن و حتی خطبه امام حسن علیه‌السلام پس از شهادت ایشان، روایت کرده است. کتاب مفید نیز نمونه دیگری است که به محتوای آن اشاره شد. از این‌رو، با اینکه از ابوالبختری درباره تولد امام علی علیه‌السلام خبری به‌دست نیامد، می‌توان به محتوای کتاب وی نزدیک شد و

۱. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۱، ص ۴۸.

۲. ابن عقیده، *فضائل امیرالمؤمنین*، ص ۹۳ - ۸۹.

۳. این کتاب را انتشارات مرعشی در ۱۴۰۶ قمری و به اهتمام سید محمود مرعشی منتشر کرده است.

۴. بنگرید به: ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۱، ص ۲۰ - ۱۹.

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۵۲.

بیان داشت که این کتاب نیز افزون بر زمان، چگونگی و حوادث مرتبط با ولادت امام علی علیه السلام، به موضوعاتی دیگر شامل معجزات و کرامات آن حضرت علیه السلام پرداخته و احتمالاً ابوبکر خرائطی از کتاب مولد وی روایت کرده است. خرائطی (م ۳۲۷) در کتاب *هواتف الجنان* روایت ترس جنیان از امیرالمؤمنین علیه السلام را تا قیامت از کتاب ابوالبختری نقل کرده،^۱ ولی نام کتاب مورد استفاده اش را نیاورده که گمان می‌شود از همان کتاب *مولد امیرالمؤمنین علیه السلام* گرفته باشد. از همین جا باید ادعای دیگری داشت و آن این که شیوه ابوالبختری در گزینش اخبار در این کتاب الگویی برای دیگر مولدنگاران شد تا محتوای کتاب آنان فراتر از بحث‌های مربوط به ولادت باشد.

نتیجه

میلادنگاری تاریخی محصول تفکر جمعی مسلمانان و تأثیرگذار بر فرهنگ و تمدن اسلامی با خاستگاه فضایل‌نویسی و پدید آمده به دنبال چالش‌های سیاسی - کلامی مسلمانان است که تعالیم اسلامی، آموزش‌های امامان علیهم السلام و به‌ویژه نیازهای زمانی از مبانی فکری و عوامل انگیزشی آن به‌شمار می‌رود. میلاد امام علی علیه السلام در درون کعبه این شاخه را پدید آورد. آنگاه به ولادت دیگر افراد توسعه و سپس از مولد (فرد) به موالید (افراد) و از سویی به نقل تاریخ معاصر (به‌نوعی تاریخ شفاهی) ارتقا یافت. گرچه بنیان‌گذار این شاخه سنی‌مذهب است، تلاقی آن با صحابی امام صادق علیه السلام نوعی واقع‌گرایی، تعامل‌گرایی، اعتدال و بنیان‌گذاری این شاخه را با رویکرد حدیثی سبب شده است. اما این رویکرد با جایگاه تاریخ‌نگاری حرفه‌ای چندان فاصله نگرفت و کسی مانند واقدی نیز در این حوزه قلم زد. در قدمی فراتر، ولادت‌نگاری در عرض وفات‌نگاری قرار گرفت و وفات‌نگاری در دوره‌های بعدی به نوعی تراجم‌نگاری عمومی به شکل فرهنگ‌نامه‌ای و براساس حروف الفبا تحول یافت. میلادنگاری در مقایسه با برخی شعب تاریخ‌نگاری، مانند قیام‌ها و مقتل‌ها، چندان با استقبال شیعیان و اصحاب امامان علیهم السلام روبه‌رو نبود. چهار تا شش تن از صحابیان به آن پرداختند و چه در نوع نخستین و چه در نوع تحول‌یافته، بیشتر از سوی اهل سنت و موالیان مورد استقبال قرار گرفت و از طریق آنان به منابع شیعه راه یافت. از آنجا که زادنگاری موضوعی چالش‌محور نبود، پرداختن به آن را نمی‌توان نشانی از خرده جریان‌های مذهبی و ریزجریان‌های فکری اصحاب و حتی مبانی معرفتی مؤلفان ارزیابی کرد. همان‌گونه که زیستگاه مولدنگاران به عراق منحصر نیست، شاهدی بر اندیشه‌های شعوبی‌گری در تدوین این شاخه یافت نشد.

۱. ابن حجر، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج ۴، ص ۴۰۲.

منابع و مأخذ

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن، *الجرح و التعديل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۳.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، قم، بی جا، بی نا، بی تا.
۴. _____، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق لجنة من اساتذة النجف، نجف، الحیدریه، ۱۳۷۶.
۵. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر*، تحقیق گروهی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن بابویه، منتجب الدین، *فهرست*، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۶۶.
۷. ابن بسطام بن سابور زیات، حسین و برادرش (عبدالله)، *طب الائمة علیهم السلام*، مقدمه خراسان، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۴۱۱ ق.
۸. ابن بکیر، حسین بن احمد، *فضائل التسمیة باحمد و محمد*، بی جا، بی نا، بی تا.
۹. ابن جبان، محمد، *الثقات*، حیدرآباد، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ ق.
۱۰. ابن حجر، احمد بن علی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. ابن حمزه، محمد بن علی طوسی، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق رضا علوان، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. ابن شاهین، عمر، *تاریخ اسماء الثقات*، تحقیق صبحی السامرائی، تونس، دار السلفیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، *فرحة الغری*، تحقیق سید تحسین آل شیب موسوی، قم، مرکز الغدیر، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *اقبال الاعمال*، تحقیق جواد قیومی، قم، مکتب الاعلام، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. _____، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام، ۱۳۹۹ ق.
۱۷. _____، *الیقین*، تحقیق انصاری، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. _____، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم، شریف رضی، ۱۳۶۳.
۱۹. ابن عبدالوهاب، حسین، *عیون المعجزات*، نجف، حیدریه، ۱۳۶۹.
۲۰. ابن عساکر، علی بن الحسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.

- ٩٢ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ٥، تابستان ٩٣، ش ١٥
٢١. ابن عُقده کوفی، احمد بن محمد بن سعید، *فضائل امیرالمؤمنین*، تحقیق عبدالرزاق محمدحسین فیض‌الدین، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
٢٢. ابن غضائری، احمد بن حسین، *رجال*، تحقیق سیدمحمدرضا جلالی، قم، دار الحدیث، ١٤٢٢ ق.
٢٣. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، *سنن*، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
٢٤. ابن ماکولا، علی بن هبةالله، *الإكمال فی رفع الارتیاب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
٢٥. ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، *منتخب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار*، قم، دلیل ما، بی‌تا.
٢٦. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *مقاتل الطالبیین*، نجف، المكتبة الحیدریه، افسست قم، مؤسسه دار الکتب، ١٣٨٥.
٢٧. امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف، بی‌تا.
٢٨. بحرانی، سیدهاشم، *حلیة الابرار*، تحقیق غلامرضا مولانا، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ١٤١١ ق.
٢٩. _____، *مدینه المعاجز*، تحقیق عزت الله مولائی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ١٤١٣ ق.
٣٠. برخی عالمان، *تاریخ اهل البیت*، نقلاً عن الائمة الباقر و الصادق و الرضا و العسکری، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل‌البیت، ١٤١٠ ق.
٣١. _____، *مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمة*، اهتمام سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ١٤٠٦ ق.
٣٢. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *رجال*، بی‌جا، نشر قیوم، ١٤١٩ ق.
٣٣. بروجردی، سید علی، *طرائف المقال*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ١٤١٠ ق.
٣٤. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکّار، بیروت، ١٤١٧ ق.
٣٥. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٢٢ ق.
٣٦. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، *کشف الظنون*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٣ ق.
٣٧. جلی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال*، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، قم، منشورات الرضی، ١٤١٧ ق.
٣٨. خَصبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، بیروت، مؤسسه البلاغ، ١٤١١ ق.
٣٩. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٧ ق.

۴۰. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، تحقیق لجنة التحقيق، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. دیاربکری، حسین بن محمد مالکی، تاریخ الخميس فی أحوال أنفس النفیس، بیروت، دار الصادر، بی تا.
۴۲. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ ق.
۴۳. _____، سیر أعلام النبلاء، تحقیق شعيب الارنؤوط و حسین الاسد، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. _____، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد الجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲.
۴۵. راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، تحقیق مؤسسه الامام المهدي، قم، مؤسسه الامام المهدي، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. رضا کحاله، عمر، معجم المؤلفین، بیروت، مکتبه المثنی، بی تا.
۴۷. سبط بن جوزی، یوسف بن غزاوعلی، تذکره الخواص، قم، شریف رضی، ۱۴۱۸ ق.
۴۸. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ ق.
۴۹. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. _____، کمال الدین، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسين، ۱۴۰۵ ق.
۵۱. طبرسی، فضل بن علی، اعلام السوری بأعلام الهدی، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
۵۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ۱۳۸۷ ق.
۵۳. طبری، احمد بن عبد الله (شیعی)، ذخائر العقبی، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶.
۵۴. طبری، محمد بن جریر (شیعی)، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق.
۵۵. _____، نوادر المعجزات، تحقیق مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، قم، تحقیق مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۱۰ ق.
۵۶. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق.
۵۷. _____، الامالی، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.

- ۹۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، تابستان ۹۳، ش ۱۵
۵۸. _____، *الفهرست*، تحقیق جواد القيومی، قم، الفقه، ۱۴۱۷ ق.
۵۹. _____، *رجال*، تحقیق جواد القيومی الاصفهانی، قم، جماعة المدرسين، ۱۴۱۵ ق.
۶۰. _____، *مصباح المتجهد*، بیروت، مؤسسه فقه الشيعه، ۱۴۱۱ ق.
۶۱. عُقَیْلِي، محمد بن عَمْرُو، *الضعفاء الكبير*، تحقیق عبدالمعطي امين قلعجي، بیروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ ق.
۶۲. فرات کوفی، ابن ابراهيم، تفسیر، تحقیق محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۰ ق.
۶۳. قاضی طباطبائی، محمدعلی، تحقیق در باره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۸۳.
۶۴. قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، توس، ۱۳۶۱.
۶۵. قمی، شاذان بن جبرئیل، *الفضائل*، نجف، حیدریه، ۱۳۸۱.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳.
۶۷. گلبرگ، اتان، *کتابخانه ابن طاووس*، ترجمه جعفریان و قرائی، قم، مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.
۶۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۶۹. مَزَی، ابوالحجاج یوسف، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۷۰. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۷۱. مَنَقَرِي، نصر بن مُزاحم، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، نجفی مرعشی، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. نجاشی، احمد بن علی، *رجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، جماعة المدرسين، ۱۴۱۶ ق.
۷۳. ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۴. نوری، حسین، *خاتمة المستدرک*، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۶ ق.
۷۵. یعقوبی، احمد بن واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.